

بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و

دختران در قوم بختیاری

براساس دیدگاه ون جنپ «مناسک گذار»

(صفحات ۱۱۹ تا ۱۴۴)

DOR:20.1001.1.17358663.1401.17.50.5.8

نوع مقاله: پژوهشی

ولی‌الله نصیری^۱

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

چکیده

هدف از این پژوهش، بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری از طریق پوشاک قبل از ازدواج، حین ازدواج و بعد از ازدواج می‌باشد. در این جستار بر اساس دیدگاه ون جنپ مردم‌شناس و تحلیل این دیدگاه، به پوشاک زنان بختیاری می‌پردازیم. در مناسک گذار، آداب گذر از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت دیگر است که به تناسب اقوام و فرهنگ‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد. در ایران، اقوام مختلفی وجود دارد که مناسک گذار در هر یک از آن‌ها، آداب متفاوتی دارد. این مقاله با تمرکز بر آداب و رسوم مردمان بختیاری (یکی از اقوام ایران)، کوشیده است تا نوع پوشش دختران بختیاری را در سه مرحله‌ی قبل از ازدواج، حین ازدواج و بعد از ازدواج بررسی و تحلیل کند. جستار حاضر به روش تلفیقی میدانی و کتابخانه‌ای، اسنادی و تحلیل محتوایی است. نتایج جستار نشان می‌دهد زنان در فرهنگ بختیاری پوشاک خود را بر اساس جایگاه و منزلت خود انتخاب کرده و به رنگ، تزئین پوشاک و متناسب با فصل‌های سال اهمیت می‌دهند و زنان و دختران بختیاری با تغییر دادن نوع پوشش خود در هر مرحله از زندگی، موقعیت تازه‌ای در روند اجتماع‌پذیری‌شان می‌یابند. رنگ لباس و نوع پوشش دختران و زنان بختیاری در هر مرحله از زندگی، بیانگر مسئولیت‌ها و انتظاراتی است که آن‌ها در هر دوره از زندگی، مطابق با شرایط زیستی و طبیعی با آن مواجه می‌شوند. نوع پوشش دختران بختیاری و معنای متفاوت رنگ این لباس‌ها، فرهنگ آن‌ها را متفاوت با دیگر اقوام ایرانی جلوه داده است.

کلیدواژه‌ها: مناسک گذار، قوم بختیاری، پوشاک، دختران، زنان.

nasiri@sku.ac.ir

۱. استادیار، گروه ادیان و عرفان، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۱- بیان مسئله

مناطق بختیاری‌نشین یکی از مناطق وسیع ایران بوده که بعداً قسمت‌های وسیعی از آن، با توجه به پیشامدهای خاص زمانه‌ی خود محدودتر شده است. ایل بختیاری قومی هستند که در استان‌های خوزستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان و بخش‌هایی از اصفهان زندگی می‌کنند. آن‌ها گروهی متمدن و شاخه‌ای از قوم لر هستند که در یکی از باستانی‌ترین نقاط ایران زندگی می‌کنند.

مسئله‌ی پوشاک و فرهنگ مربوط به آن در اقوام و جوامع مختلف از جمله ایل بختیاری متفاوت است. پوشش آن‌ها ریشه در اصالت قوم بختیاری و فرهنگ غنی آن‌ها دارد و علاوه بر زیبایی منحصر به فردش، تنوع و گوناگونی خیره‌کننده‌ای داراست. نوع پوشاک دختران و زنان بختیاری برحسب قرار گرفتن آن‌ها در موقعیت‌های مختلف، تغییر می‌یابد. این امر، نمادی از تحول و دگرگونی و ایفای نقش جدیدی است که در هر مرحله از مناسک گذار بر دوش آن‌ها محول می‌شود.

اولین اندیشمندی که به بحث مناسک گذار^۱ پرداخت، آرنولد ون جنپ^۲ فلکورست و مردم‌شناس بلژیکی بود. تولد، بلوغ، زناشویی، پدر شدن، مادر شدن و مرگ، همگی موقعیت‌هایی را برای یک چنین مراسمی به وجود می‌آورند. به بیان دیگر، مناسک گذار توصیف آداب و رسوم است که در دوران حساس زندگی همچون زایش، بلوغ، پیوستن به گروه تازه، زناشویی و نظایر آن برگزار می‌شود. مناسک گذار به فرد برای گذار از این مراحل که در واقع همان چالش‌های زندگی یا چالش‌های تکامل نامیده می‌شوند، کمک می‌کنند. این مناسک، در طول زندگی، فرد را همراهی می‌کند و به او اجازه می‌دهد دنیای جدیدی را تجربه کند و در کنار دیگران و سالمندان منزلت اجتماعی خاص خود را به دست آورد.

مناسک گذار، انسجام گروهی و روحیه‌ی جمعی را تقویت می‌کند و به زندگی روزمره معنا می‌بخشد. آدمی در این گذار نمادین، با گذراندن آزمون‌هایی همراه با رعایت برخی تابوها و محرّمات موقت یا دائم در خود می‌میرد و با یک استحالته‌ی رمزگونه، هستی دنیوی و نامقدس خود را رها می‌کند و در ساحتی قدسی و معنوی باز

^۱ . Rites of passage.

^۲ . Arnold Van Gennep.

زاده می‌شود. در این مرحله، فرد، زندگی اجتماعی خود را به صورتی تازه، با کسب یک سری امتیازات و قبول وظایف و قیدهایی، دوباره از سر می‌گیرد. مناسک گذار عمدتاً برخاسته از قوانین رسمی و ظاهری و باورهای مذهبی و سنتی هر قوم هستند که در اشکال و با دستورالعمل‌های خاصی، مثل پوشیدن جامه‌هایی با رنگ و الگوی مشخص، سرودن آوازهای دسته‌جمعی با کلمات دقیق و از پیش تعیین شده و دعا کردن با الفاظی خاص، متجلی می‌شوند. مثل آدابی که در اجرای مراسم خاص از قبیل تطهیر (غسل تعمید)، روزه و یا بزرگداشت یک حادثه‌ی تاریخی و... رعایت می‌شود. نیت و اندیشه‌ی فرد نیز مهم است. لذا در زمان اجرای مناسک، فرد باید رفتارهای خود را با نیت درونی، برای برقراری ارتباط با جهان نامرئی هماهنگ کند تا خواسته‌های شخصی وی برآورده شود (رنجبر و ستوده، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

در این تحقیق، مناسک گذار در قوم بختیاری بررسی گردیده است. البته از آنجاکه تمام ابعاد مراسم گذار در یک مقاله قابل تحلیل نیست، تنها به پوشاک دختران بختیاری در مناسک گذار پرداخته شده است. بدین منظور، ابتدا ایل بختیاری معرفی، سپس مناسک گذار، توضیح داده شده و در نهایت در سه مرحله، تحلیل نقش لباس دختران و زنان بختیار در گذار از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت دیگر انجام یافته است. تاکنون پیرامون مناسک گذار در پوشاک زنان و دختران بختیاری تحقیق قابل توجهی انجام نشده است.

۲. ادبیات پژوهش

مقاله‌ی پیرامون پوشاک زنان در ایران به چاپ رسیده است، اما تاکنون هیچ مقاله‌ای در خصوص پوشاک زنان بختیاری به صورت مجزا کار نشده است.

مقاله‌ی پوشاک سنتی زنان در جغرافیای فرهنگی ایران، نویسنده: سیده راضیه یاسینی، مجله مطالعات فرهنگ-ارتباطات، بهار ۱۳۹۵، شماره ۶۵ به چاپ رسیده است. در این مقاله نویسنده پوشاک در جغرافیای ایران را مورد بررسی قرار داده است.

مقاله عروس قزاق، نگاهی به پوشاک عروس و نمادهای گذار در میان قزاقان ایران، نویسنده: فریده مجیدی خامنه، مجله نامه انسان‌شناسی، ۱۳۸۵، شماره ۹ به چاپ رسیده است. در این مقاله نویسنده پوشاک عروس قزاق را مورد بررسی قرار داده و آن را بر اساس مناسک گذار بررسی کرده است.

بنابراین، آنچه مقاله را از مقالات دیگر متمایز می‌کند عدم پراکنده‌گویی و از طرفی متمرکز بودن در پوشاک زنان و دختران بختیاری می‌باشد.

۳- روش پژوهش

روش در جستار پیش‌رو، از حیث هدف و غایت بنیادی و از نظر گردآوری نتایج و داده‌ها، بر اساس روش ترکیبی کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. در این روش که به صورت تحلیل محتوای کیفی و میدانی نیمه ساختاریافته انجام شده است. از آنجا که پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره‌ی پوشاک زنان و دختران بختیاری همراه با تحلیل بن‌مایه‌های نمادین و اساطیری در قوم بختیاری بررسی کرده است، علاوه بر روش تحلیل کیفی-محتوایی کتابخانه‌ای، از روش میدانی به صورت مصاحبه با افرادی از استان خوزستان و چهارمحال و بختیاری در جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده است. این پژوهش چهار مرحله را برای رسیدن به داده‌ها انتخاب کرده است، در گام نخست، انتخاب موضوع با اهداف منطقی صورت گرفت. در گام دوم، با بررسی و واکاوی منابع، اسناد و ادبیات مرتبط با عنوان پژوهش، مؤلفه‌های متناسب با پوشاک زنان و دختران بختیاری با توجه به بن‌مایه‌های نمادین و اساطیری آن‌ها در قوم بختیاری شناسایی شد. در گام سوم، با استفاده از روش پژوهش، بر اساس تحلیل محتوای کیفی، خصوصیات و مؤلفه‌های مربوط به پوشاک زنان و دختران بختیاری در فرهنگ قوم بختیاری استخراج شد. در نتیجه، در گام چهارم، با ادغام مطالب تحلیل کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری داده‌ها و فیش‌برداری سنتی و مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته، به موضوع پوشاک زنان و دختران بختیاری در فرهنگ بختیاری پرداخته شد. روش میدانی در این جستار از طریق مصاحبه‌های میدانی بوده که در شمال خوزستان (ایذه، اندیکا، شوشتر و لالی) و شمال شرق چهارمحال و بختیاری (کوهرنگ) درباره‌ی پوشاک زنان و دختران بختیاری انجام شده است. هدف پژوهشگر از انتخاب این محدوده جغرافیایی از استان برای تحقیقات میدانی، قدمت این سرزمین و از طرفی دست‌نخورده بودن آن است. در گام نخست، پژوهشگر سؤالاتی مربوط به نوع پوشش زنان و دختران بختیاری آماده کرده و در گام دوم، به انتخاب افرادی (۲۷ نفر) که پیرامون پوشاک زنان و دختران آگاهی لازم را داشته‌اند، اقدام می‌کند. در گام سوم، مصاحبه‌ای حدود ۳۰ دقیقه از هر یک از آن‌ها ضبط می‌کند. در گام چهارم و نهایی، همه‌ی مصاحبه‌ها را کدگذاری

کرده و آن‌ها از گویش و زبان لری بختیاری به فارسی برگردانده و از لابه‌لای این مطالب مهم‌ترین آن‌ها پیرامون پوشاک زنان و دختران بختیاری را استخراج کرده و تحلیل و تلفیق داده‌ها با مطالب کتابخانه‌ای می‌پردازد. جامعه آماری جستار حاضر، تعداد ۲۷ نفر از زنان آگاه محلی انتخاب شدند که سن بیشتر آن‌ها از ۴۰ سال بیشتر بوده و از طرفی خود این افراد کسانی هستند که نسبت به پوشش محلی بختیاری توجه ویژه‌ای داشته و نسبت به این نوع پوشش‌ها آگاهی لازم را داشته و در خیلی از آیین‌های محلی با پوشش بختیاری شرکت کرده‌اند. روش نمونه‌گیری در این جستار، از نوع هدفمند بوده است. برای به دست آوردن اطلاعات در این موضوع، نیاز بود که از افرادی که خُبره و دانا هستند استفاده شود با این که افراد زیادی داوطلب به همکاری بودند اما سعی شد گزینش شوند و از دانایان آن‌ها در این زمینه استفاده شود. بعد از انتخاب افراد خُبره و دانا، از آن‌ها مصاحبه عمل آمد. علاوه بر روش نمونه‌گیری هدفمند در جریان مصاحبه‌ها، از نمونه‌گیری زنجیره‌ای «Chain Sampling» استفاده شده است (گال و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۹۳). در این روش، با افراد آگاه مشورت می‌شود تا موارد مناسب تحقیق را معرفی کنند. برای پژوهش کیفی نمونه بسیار بزرگ یا کوچک توصیه نشده است، بلکه حصول معیارهایی مانند اشباع داده‌ها و تکرار اطلاعات کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد. (همان، ۳۹۸) در جستار حاضر، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت تحلیل محتوای کیفی و مقوله‌بندی مصاحبه‌ها انجام شده است. با هدف این که ویژگی‌های کیفی پژوهش در سه ملاک قابلیت اطمینان، قابل قبول بودن و تأیید پذیری رعایت شود. پیرامون ملاک قابل قبول بودن، مصاحبه‌ها نزد همه افراد مورد مصاحبه پخش می‌شد تا درستی یا نادرستی خود را اعلام کنند. در مورد ملاک قابلیت اطمینان یافته‌ها، کوشش شد تا تصمیم‌گیری و فرآیندهای مربوط به صورت روشن و مستند در متن پژوهش بیان شود. در مورد ملاک تأییدپذیری داده‌ها، تلاش شد تا به جزئیات کافی در خصوص فرآیند جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شود تا اطمینان حاصل شود.

۴. تحلیل تجربی

ایل بختیاری

قلمرو ایل بختیاری

منطقه‌ای که در گذشته و حال بختیاری خوانده می‌شود، از دوره‌ی صفویه به بعد هیچ‌گاه خطوط ثابتی نداشته، گاهی گسترده و پردامنه و زمانی محدود شده است. منطقه‌ی فعلی بختیاری، به لحاظ مساحت نسبت به گذشته بیش‌ازحد محدود شده است. این سرزمین از نظر مختصات جغرافیایی بین مدار ۳۱ درجه و ۱۶ دقیقه شمالی رامهرمز و ۳۳ درجه و ۲۲ دقیقه شمالی الیگودرز در شرق استان لرستان قرار گرفته است. به لحاظ طول جغرافیا بین نصف‌النهار ۴۸ درجه و ۵۰ دقیقه شمالی شوشتر و ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه شرقی بروجن یکی از شهرهای استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد. (امان‌الهی، ۱۳۷۲: ۲۹) این منطقه از طرف شمال به استان اصفهان و لرستان از طرف شرق به اصفهان، از غرب به خوزستان و از جنوب به کهگیلویه و بویراحمد محدود می‌شود (قربانی‌پور دشتکی، ۱۳۸۹: ۳۷). رشته‌کوه‌های زاگرس در جهت شمال غربی به جنوب شرقی از قلمرو ایل بختیاری می‌گذرد. این موقعیت جغرافیایی باعث تقسیم این منطقه به دو قسمت متفاوت شده است. بخش کوهستانی در شرق و بخش جلگه‌ای در غرب که ناحیه کوهستانی بیلاق و ناحیه جلگه‌ای قشلاق بختیاری است (میرزایی، ۱۳۷۳: ۹۷). منطقه بختیاری از نظر زمین‌شناسان و جغرافی دانان، دارای ساختار پیچیده‌ای است. این ویژگی ناشی از بلندی‌های صعب‌العبور، کوه‌های زنجیروار، رودهای بزرگ، دشت‌ها و جلگه‌های حاصلخیز می‌باشد، معروف‌ترین کوه‌های آن زردکوه، اشترانکوه، هفت‌تنان، آسماری، منگشت، سبزکوه و... می‌باشند. کارون و زاینده‌رود که از مهم‌ترین رودهای ایران می‌باشند از این ارتفاعات سرچشمه می‌گیرند (خسروی، ۱۳۷۵: ۵-۶).

قلمرو بختیاری‌ها به سه قسمت تقسیم می‌شود: اول. در کناره‌ها و حواشی دشت خوزستان که یکجانشینان بختیاری، در زمین‌های خود به کشت و کار اشتغال دارند و قشلاق یا گرمسیر بختیاری است، دوم. کوهستان‌های بختیاری که در سه رشته از شمال غربی تا جنوب شرقی امتداد دارند. در درون این کوهستان‌ها، بیلاق یا سردسیر بختیاری است، سوم. فلات میانی که منطقه وسیعی است که تنها چراگاه احشام ایل بختیاری بوده و تعدادی از طوایف غیرمهاجر بختیاری در دهات و روستاهای گوشه و کنار آن سکونت

دارند. این سه بخش در بین مردم به نام‌های میان‌کوه، پشت‌کوه و پیش‌کوه نام‌گذاری شده‌اند (گارثویت، ۱۳۷۵: ۵-۶). سرزمین بختیاری در سال ۱۹۱۰م نزدیک به ۴۶۲۰۰ کیلومتر مربع وسعت داشت. در دوره‌ی رضاشاه با توجه به سیاست اسکان اجباری عشایر، سیاست تمرکزگرایی و خلعید خان‌های بختیاری، قلمرو بختیاری نیز تقسیم شد. قسمتی از آن جزء استان اصفهان، بخشی جزء استان لرستان و قسمتی جزء خوزستان شد و جزئی دیگر بعد از تقسیمات اداری سرتاسر نام فرمانداری بختیاری و چهارمحال به خود گرفت (امان‌اللهی، ۱۳۷۲: ۲۹).



توزیع جغرافیایی مناطقی که در آن‌ها به زبان لری سخن گفته می‌شود. بختیاری‌ها با گویشی از زبان لری سخن می‌گویند.

خاستگاه و نژاد ایل بختیاری

پیرامون خاستگاه و نژاد این قوم مانند سایر اقوام دیگر، افسانه‌ها و روایات متعددی وجود دارد. در میان پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته به‌طور کلی به دو نظریه برمی‌خوریم. برخی عقیده دارند بختیاری‌ها از ایرانی‌های آریایی هستند (آهنجیده، ۱۳۷۴: ۱۰)، و برای اثبات نظر خود به شواهدی از جمله زبان اشاره می‌کنند. برخی دیگر، بختیاری‌ها را قبایل مهاجر می‌دانند که از غرب ایران (سوریه) از قرن پنجم هجری به بعد وارد سرزمین بختیاری شده‌اند (گارثویت، ۱۳۷۵: ۸۳). بختیاری‌ها را از نژاد یونانی نیز دانسته‌اند. برخی معتقدند آن‌ها چون همراه با اسکندر به فلات ایران داخل شده و پس از مرگ اسکندر به آن‌ها گفته شد «شما پیروز نشده‌اید بلکه بخت شما را یاری کرد» به

بختیاری معروف شده‌اند (اسعد، ۱۳۷۶: ۱۵۴-۳۳۵). بازمانده‌های فرهنگی جوامع پیش‌ازتاریخ در این منطقه حکایت از تمدن ۵۰۰۰ ساله در مورد برخی اقوام از جمله ایلامیان ساکن در این منطقه دارد. (امان‌الهی، ۱۳۷۴: ۲۴-۲۵). شواهد تاریخی گویای آن است که پارس‌ها در حدود ۷۰۰ ق م، در پارسوماش نزدیک کوه‌های فرعی سلسله جبال بختیاری در شرق شوشتر (مسجدسلیمان کنونی) واقع در دو سوی سواحل رود کارون مستقر بوده‌اند، اما متأسفانه دانسته‌های ما درباره‌ی اوضاع منطقه بختیاری پیش از اسلام اندک است و واژه‌ی «لر» برای اولین بار در نوشته‌های مورخان و جغرافی‌نگاران قرن چهارم هجری و بعد از آن به کار رفته که اغلب به صورت اللریه، لاریه، بلاد اللور ذکر شده است (قربانی‌پور، ۱۳۸۹: ۴۱).

مناسک گذار

مناسک گذار، مجموعه‌ای از اعمال، مناسک و آیین‌های نمادین رایج در جوامع، به ویژه جامعه‌های آیین‌گرای سنتی است که با گذار انسان از مرحله‌ای از موقعیت و حیات جسمانی یا فرهنگی و اجتماعی به مرحله‌ای دیگر همراه است (بلوکباشی، ۱۳۷۷: ۶۵). شعایر «از کلمه لاتینی Ritus، با Ar که در زبان هندواروپایی به معنی تنظیم است، گرفته شده که توسط آرنولد وان جنپ (Arnold Van Gennep) انسان‌شناس بلژیکی مطرح شده است. مناسک را مجموعه‌ای از قواعد رایج در یک کیش می‌دانند. خود کیش، به منزله‌ی اظهار ستایش و احترام به مقام الهی به صورت جمعی است. چنین به نظر می‌رسد که در آغاز، مناسک شامل طرز تلقی‌ها، حرکات و اعمال می‌شده که یا در جهت هماهنگ‌گردیدن و یا تماس یافتن با نیروهای طبیعی و موجودات نامرئی و یا به منظور آرام ساختن آنان پدید آمده بود. همواره قربانی‌ها در جریان مناسک، جای برجسته و مهمی داشته‌اند» (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۲۶).

در واقع مناسک همان قوانین ظاهری و رسمی آیین‌های مذهبی هستند. این قوانین و مقررات ممکن است در اشکال و دستورالعمل‌های خاصی، نقش‌هایی که به شرکت کنندگان مختلف می‌دهند؛ مانند پوشیدن لباس‌های مورد قبول، موسیقی‌های گروهی با واژه‌های دقیق و از پیش تعریف شده و دعا کردن، تجلی می‌یابند. برای مثال در اجرای مراسم آیینی مانند غسل تعمید یا مناسک روزه و یا برگزاری و احترام به یک حادثه تاریخی و... افراد بایستی همه دستورات را انجام دهند. به هنگام اجرای آیین، هر فردی

رفتارهای خود را با آرزوی درونی، برای پیوند با دنیای ماورایی هماهنگ کنند تا آرزوهای شخصی‌شان برآورده شود. جداسازی مناسک که باورداشت‌ها و نمادهای مذهبی است از رفتارهای مذهبی بسیار دشوار است؛ زیرا این دو بسیار توأمان و درهم آمیخته‌اند (عضدائلو، ۱۳۸۶: ۵۹۹)؛ به‌عنوان مثال افراد معتقد در مناسک به‌غیر از نیت، معنایی نمادین به رفتار خود می‌دهند. مثلاً روشن کردن شمع در مقبره امامزاده با روشن کردن شمع برای تزئین میز غذاخوری تفاوت فاحشی دارد.

بنابراین، مناسک ممکن است ترکیبی از مجموعه‌ی اعمالی مثل غسل تعمید تا توسلی ساده برای طلب بخشش و... را با هم شامل شوند. مناسک صرفاً مذهبی نیست و شامل همه‌ی جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی می‌شود. مناسک در تاریخ ادیان، دارای گونه‌های مختلفی هستند: مانند آیین کشت و زرع، سحر و جادو، کفن و دفن میت، طلب مغفرت و مراسمی که برای اتفاقات اساسی و مهم زندگی مثل زناشویی، مرگ، تولد و... رخ می‌دهد. هرچند ممکن است هم‌پوشانی‌هایی در این گونه‌ها و تقسیم‌ها رخ دهد (تریگ، ۱۳۸۴: ۱۶۱-۱۶۸).

مراحل مناسک گذار

آرنولد وان جنپ اولین بار مفهوم مناسک گذار را در سال ۱۹۰۹ به‌صورت روشن و ساختارمند تبیین نمود، او با گردآوری داده‌هایی مربوط به غسل تعمید، نامزدی، تدفین و برپا کردن جشن‌ها در تمامی مذاهب و تمامی دوره‌ها، آن‌ها را به‌صورت منظم به سه دوره تقسیم کرد از جمله؛ مرحله‌ی گسست یا پیش‌گذار، مرحله‌ی گذار و مرحله‌ی پیوستن و یا پساگذار (Van Gennep, 1960: 3). مناسک گذار از ساختاری سه‌لایه برخوردار است که پوشاک دختران بختیاری را بر اساس همین سه مرحله تحلیل خواهیم کرد. این سه لایه، از دیدگاه ون جنپ عبارت‌اند از:

۱. مرحله‌ی پیش‌گذار: یعنی جدا شدن فرد از گروه و یا موقعیت پیشین خود. این مرحله با جدایی از حالت یا موقعیت پیشین مرتبط است و به‌وسیله‌ی مناسکی که بریدن یا جداشدن را به طریقی نمادین انجام می‌دهد، مشخص می‌شود. از این دست مناسکات می‌توان به ختنه در سن بلوغ و نیز تراشیدن سر در احرام به نشانه‌ی خلاصی از دوران

جدایی یا پیش‌آستانه‌ای یا پیش‌گذار . Separation. ¹

آلودگی اشاره نمود. در مرحله‌ی جدایی پیش‌گذار، تلاش فرد بر آموختن جزئیات فرهنگ جامعه برای بازتولید و ادامه‌ی چگونگی زیستن است. این مرحله که جدایی از گذشته است مهم‌ترین مرحله‌ی مناسک گذار می‌باشد (Van Gennep, 1977: 189-191).

۲. مرحله‌ی گذار^۱: در این مرحله که انتقال یا گذار نام دارد هماهنگی با چنین مناسک‌هایی مانند گنجی، تعلیق و ابهام وجود دارد (فکوهی، ۱۳۹۰: ۶۵). پس از گذار از وضعیت جدایی، فرد، طی مراسمی سنگین و گاه طاقت‌فرسا که همراه با توسل به نیروهای مافوقی و سری و نوعی ابهام، پیچیدگی‌های عاطفی و روانی شدید همراه است، از جایگاه قبلی خود عبور می‌کند اما هنوز به مرحله‌ی جدید وارد نشده است (Van Gennep, 1977: 189-192).

۳. مرحله‌ی پساگذار^۲: مرحله‌ی آخر مرحله‌ی الحاق است که در آن فرد بار دیگر به دامان جامعه بازمی‌گردد. مثال مشخص خودون جنپ، مراسم عروسی (Ibid) است که در آن جدایی و ترک منزل پدری و رفتن به ماه‌عسل دوره انتقال و بازگشت به درون جامعه است. مرحله‌ی بعد از ماه‌عسل، الحاق نام دارد. به‌طور کلی ون جنپ از کارش بروی مناسک گذار به این نتیجه رسید که در دوران سه‌گانه‌ی زندگی، این سه مرحله مشخص و قابل تکرار هستند (فکوهی، ۱۳۹۰: ۶۶). بنابراین پس از گذر از مرحله‌ی انتقال، فرد به منزلگاه جدید اجتماعی خود پیوند می‌خورد، در واقع الحاق معرف مرحله‌ی است که فرد دوره‌ی مجردی و کودکی را پشت سر گذاشته و با قبول مسئولیت‌های ناشی از ازدواج تبدیل به یک فرد متأهل شده است (Van Gennep, 1977: 189-192).

وان جنپ معتقد است در بسیاری از مناسک گذار، هر سه مرحله را مشاهده می‌کنیم. به‌گونه‌ای که شدت هر مرحله نسبت به مرحله دیگر کاملاً متفاوت است، برای مثال در مرحله‌ی جدایی، مراسمی مانند نماز میت و دفن کردن را داریم، در مرحله الحاق مراسم شادی و عروسی را داریم، و دوران حاملگی و بارداری و یا نامزدی‌ها، به گذار از مرحله نوجوانی به بلوغ اختصاص دارد (بتیس و پلاگ، ۱۳۹۲: ۶۸۰-۶۸۱).

^۱ . Liminal. انتقال یا آستانه‌ای یا گذار

^۲ . Aggregation. الحاق یا پس آستانه‌ای یا پساگذار

کارکردهای مناسک گذار

آیین گذار در جامعه‌ها، به‌ویژه جامعه‌های کهن و سنتی، کارکرد و نقشی مؤثر در رفتارهای اجتماعی و روانی افراد دارد؛ از جمله:

۱. تحول و دگرگونی در هویت فرد: این آیین‌ها همچون آزمونی روانی در تحول و دگرگونی منزلت اجتماعی و هویت‌سازی افراد در گروه‌های اجتماعی و جامعه عمل می‌کند (بلوکباشی، ۱۳۷۷: ۶۱). میرچا الیاده در کتاب *مقدس و نامقدس* به تفسیر و تأویل درباره‌ی آیین‌های رازورانه گذار پرداخته و می‌نویسد: انسان برای اینکه انسانی کامل شود، باید خود را در هستی خویش بکشد تا در حیاتی متعالی - که حیات دینی و فرهنگی است - باز زاده شود. وی آیین تشریف را به «استحاله‌ی انسان در یک تجربه فراطبیعی مرگ و رستاخیز یا تولد دوم» تعریف می‌کند (Eliade, 1959: 187). مناسک گذار، تنها جشن گرفتن دگرگونی‌ها در زندگی یک فرد نیست، بلکه طی این مراسم یک‌رشته نقش‌ها و روابط اجتماعی جدید برای افراد نوجوان و جوان به‌گونه‌ای همگانی به رسمیت شناخته می‌شود (بتیس و پلاگ، ۱۳۹۲: ۶۸۰-۶۸۱) که از طریق آن، فرد به‌نوعی هویت جدید دست می‌یابد.

۲. تقویت همبستگی گروهی: آیین‌ها بهترین انگیزه برای برپایی اجتماعات انسانی هستند. آداب و مناسک - که تقویت حس معنوی مهم‌ترین هدف آنهاست - عرصه‌ای عمومی برای ایجاد وحدت و همدلی هستند. آیین‌ها به‌طور معمول با توجه به شکل برگزاری و محتوایشان نیازمند مکانی خاص برای برگزاری هستند که باعث اجتماع انسان‌ها و ایجاد حس همدلی و صمیمیت در آنها می‌شود. آیین‌های گذار علاوه بر این که مراسم شادمانی، سوگواری و... هستند، موقعیتی برای گردهم‌آیی افراد و کنش جمعی فراهم می‌آورند (ستوده و رنجبر، ۱۳۸۰: ۱۲۳). الیاده بر همین اساس، مناسک تشریف را اعمالی می‌داند که در جامعه‌های باستانی و ابتدایی، فرد از طریق آن، از قلمرو و ساحت هستی طبیعی به ساحت هستی فرهنگی راه می‌یابد و با دریافت ارزش‌های فرهنگی - معنوی، منزلت انسانی می‌یابد و با اعضای دیگر جامعه شریک و همراه می‌شود (Eliade, 1987: 16).

۳. تقویت باورداشت‌ها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی: از دیگر کارکردهای این آیین، این است که باورداشت‌ها و ارزش‌های بنیادین اجتماع را تقویت می‌کند. کارکرد

بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و دختران در قوم بختیاری

چنین مراسمی در روزگار گذشته به‌اندازه‌ی نهادهای آموزشی اهمیت داشته است. می‌توان گفت آیین‌های گذار، از آن‌جهت که حافظ سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی اجتماعی مردمان هستند، سنت‌هایی دیرینه‌اند که برای معنابخشی به زندگی روزمره پدید آمده‌اند.

مراحل گذار پوشاک در دختران بختیاری

مناسک گذار در قوم بختیاری را می‌توان در سه مرحله‌ی گسست، گذار و پیوست مورد تحلیل قرار داد که نوع پوشش و رنگ‌های متفاوت آن، در هر مرحله هویت جدیدی را به دختران بختیاری می‌بخشد.

پوشاک در مرحله‌ی گسست یا پیش گذار

رنگ لباس



تصویر شماره ۱ تنوع رنگ دختران و زنان بختیاری متناسب با طبیعت،
عکاس امیر خدروی میرقاند، بهار ۱۳۹۹

نمادگرایی رنگ‌ها تمام ارزش‌های گذشته و سنتی یک قوم را بازگو می‌کند. رنگ‌ها نشانه‌ی نمادگرایی کیهانی هستند، چون خدایی در چندین داستان آفرینش وارد شده‌اند. رنگ‌ها در ضمن نمادهایی مرتبط با زیست‌شناسی اخلاق دارند. مثلاً در میان مصریان معمولاً ارزش نمادین رنگ‌ها وارد هنری می‌شود. سیاه علامت تولد دوباره و بقای جاودان است (گربران، ۱۳۷۹: ۳۴۷-۳۴۸). روانکاوان رنگ‌های گرم و سرد را از هم جدا می‌کنند، رنگ‌های گرم (سرخ، نارنجی، زرد) بر روند تطابق و سرعت عمل تأثیر می‌گذارد، رنگ‌های گرم قدرت برانگیختن و تهییج دارند، رنگ‌های سرد (آبی، بنفش

نیلی) در خدمت روند تضاد و سقوط هستند، آن‌ها قدرت مسکن و آرام‌بخش دارند (همان). رنگ‌ها بیانگر کاربردهای اصلی روان انسان هستند، از جمله تفکرات، احساسات، الهامات و هیجانات، مثلاً؛ آبی، رنگ اندیشه و تفکر است. سرخ، رنگ خون اشتیاق و احساسات است. زرد، رنگ نور، طلا و الهامات است. سبز، رنگ طبیعت و رشد و نمو است، از نظر روان‌شناسی، نشانه‌ی کاربرد حسیات و هیجانات (کاربرد واقعیت) و رابطه میان رویابین و واقعیت است (Tellard, 1984: 64). زنان محلی معتقدند رنگ‌های متنوع و متناسب با هر فصل، زندگی آن‌ها را دگرگون ساخته و شادی زایدالوصفی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد و از طرفی با توجه به زندگی سخت آن‌ها (کوچ‌روی) این پوشش رنگی متنوع است که به آن‌ها آرامش داده و باعث برانگیخته شدن احساسات و عواطف آن‌ها می‌شود (کد، ۲، ۳، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۸، ۲۳). پوشش و انتخاب رنگ، نمادی از ساختارهای طبقاتی و قومی است که علاوه بر قومیت، نماد مقام و مرتبه، شخصیت و نوعی تأیید اجتماعی می‌باشد. پوشش براساس شرایط اقلیمی، اجتماعی، عقیدتی، عرفی و سنت‌های آیینی رنگ می‌گیرد. ردپای سنت‌ها در پوشش قوم بختیاری کاملاً پیداست. پوشاک زنان بختیاری دنیای عجیبی از رنگ‌های خیره‌کننده است که با ترکیب رنگ‌ها هارمونی مناسبی به وجود می‌آورد. رنگ قرمز باعث جلب توجه و رنگ زرد آرام‌بخش است. پوشش دختران مانند پوشش مادران و در ابعاد کوچک‌تر است، اما دختران در انتخاب پوشش از رنگ‌های متضاد یعنی رنگ‌های اصلی زرد، قرمز و آبی استفاده می‌کنند. پیراهن سبز و شلوار قرمز یا پیراهن نارنجی و شلوار آبی از مشخصه‌های لباس آن‌هاست. دختران معمولاً سرد و گرمی طبیعت را با مزاج خود هماهنگ می‌کنند. در فصل سرما، قرمز و نارنجی و در فصل گرما سبز و آبی می‌پوشند (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۳۷۰-۳۷۸). بالطبع گذر از یک فصل سال به فصل دیگر و یا تغییرهای موجود در مزاج انسان‌ها، نوع پوشش آن‌ها و رنگ مورد انتخاب آن‌ها را تغییر خواهد داد.

نوع لباس



تصویر شماره ۲ نوع لباس دختران بختیاری در مناسک پیش گذار، عکاس امیر خدروی میرقاند، بهار ۱۳۹۹

ازدواج، گذار از یک گروه اجتماعی - مذهبی - فرهنگی، به گروهی دیگر است. بنابراین دختران با ازدواج نوع لباس آن‌ها تغییر می‌کند، زیرا از این پس، جزئی از گروه دیگر می‌شوند یعنی از گروه مجردها به گروه متأهلان منتقل می‌شود. بنابراین این نوع مراسم با گونه‌ای از آیین گذار مواجهه است (الیاده، ۱۳۹۰: ۱۷۱-۱۷۵). بروس لینکلن، در این باب می‌گوید: «مناسک گذر، مردم را تغییر می‌دهند و نقش‌ها، موقعیت‌ها و هویت‌های قدیم را با نقش‌ها، موقعیت‌ها و هویت‌های جدید جایگزین می‌کنند» (Lincoln, 1991: 6). لینکلن می‌گوید: بیشتر دختران از مادرانشان و دیگر زنان طرز تهیه و آماده‌سازی غذا، مراقبت از بچه‌ها و اموری از این قبیل را آموخته‌اند (بوی، ۱۳۹۲: ۲۱۷-۲۱۸). از نظر لینکلن دختر با گذر از لباس و پوشاک دخترانه به یک زن تبدیل می‌شود (همان، ۲۱۹). پیراهن (جوه^۱) دختران جوان بختیاری، لباسی رنگی با گل‌بوته‌های مختلف با یقه‌های گرد، دلبری و خشتی است که گاهی پایین پیراهن را حاشیه‌دوزی و زری‌دوزی کرده یا با پولک، زر، ریال و یا سکه تزئین می‌کنند. آستین این نوع پیراهن‌ها بلند با سرآستین کشدار و دکمه‌ای یا مچ‌دار راسته می‌باشد (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۳۷۵). زنان محلی می‌گویند دوخت و دوز بیشتر پیراهن‌های زنانه را خودمان انجام داده و

^۱. jove.

متناسب با علاقه و سلیقه خود به لباس منجوق، ریال، پولک دوخته و باعث زیبایی خاصی در لباس می‌شوند. آن‌ها معتقدند بخش زیادی از هزینه‌های زندگی به خاطر همکاری زنان از دوش مردان برداشته می‌شود و این زیبایی و جلوه خاصی به زندگی ما می‌بخشد (کد، ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۹). استفاده از رنگ‌های متنوع و شاد در لباس دختران بختیاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رنگ سرخ تنها رنگ ثابت در لباس آن‌ها است که هیچ‌گاه عوض نمی‌شود. رنگ سرخ لباس دختران بختیاری برگرفته از رنگ سرخ و شاد گل‌های کوه‌های زاگرس است. روسری دختران جوان الوانی یا سفیدرنگ است که به همراه پولک‌های ریز از الوان، روسری و یا حاشیه‌های آن را می‌پوشانند تا زیباتر شده و در هنگام حرکت صدا کند. زنان بختیاری علاوه بر لچک، پیشانی خود را نیز با سکه‌هایی از طلا و نقره پر می‌کنند. لچک^۱ بر سر کردن، میان همه زنان بختیاری مرسوم است اما دختران، کم‌تر بر سر می‌کنند و بیشتر از روسری استفاده می‌کنند (همان، ۳۷۶-۳۷۸).

پوشاک در مرحله گذار

نوع پوشاک دختران در زمان ازدواج که با وارد شدن به یک موقعیت جدید اجتماعی همراه است، متناسب با نقش جدید آن‌هاست. پوشاک دختران در زمان ازدواج علاوه بر اینکه شاد، زیبا و رنگارنگ است، هر کدام از رنگ‌های آن نقش جدیدی را در اجتماع به دختران می‌بخشد. مناسک گذار تنها یک رسم، آیین و فرهنگ را بازآفرینی نمی‌کند، بلکه به دنبال تعیین نقش برای افراد جامعه است. مناسک گذار نقش‌ها و روابط اجتماعی جدیدی برای افراد نوجوان و جوان ایجاد می‌کند (بتیس و پلاگ، ۱۳۹۲: ۶۸۰-۶۸۱). بر اساس نظریه مارگارت مید، شرایط اجتماعی به گونه‌ای است که فرهنگ نسل جوان به‌مانند گذشتگان نیست و ممکن است انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر ناقص انجام گیرد، بنابراین گاهی نقش به حدی متفاوت است که نسل جوان و ازدواج‌نکرده را از نسل بزرگ‌تر جدا می‌کند (رفیع‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۶).

پوشش انگشتر

یکی از پوشش‌های دختران بختیاری در حین ازدواج، انگشتر است. معمولاً انگشتر از

^۱ . Lachak.

بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و دختران در قوم بختیاری

جنس عقیق و برنج است. البته کسانی که ثروتمند هستند در مراسم ازدواج، انگشترهای طلا و نقره با نگین‌هایی از فیروزه، عقیق و اشرفی به دست می‌کنند. مثلاً در این بیت آمده است: (انگشتر مُهره عقیق کِرْدُم وه دستِ نَکِنه وه کَس گُشی تی کَالِ مَسِت)، یعنی انگشتری با مهره عقیق به دست تو کردم، هیچ زمانی چشمان زیبایت را به روی کسی مگشا (حموله داوودی، ۱۳۹۳: ۳۸۰-۳۸۱). این بیت بیانگر جایگاه و منزلت اجتماعی جدید دختر می‌باشد و به او می‌فهماند که با آیین ازدواج، متعهد می‌شود که در جایگاه و منزلت اجتماعی جدیدی قرار گرفته و هویت جدیدی به او داده شده است، در واقع، پوشش انگشتر نماد تقید نسبت به یک نفر است و با پوشش انگشتر تکیه‌گاه و هم‌راز و یار همیشگی و پشت‌وپناه خود را همسرش می‌داند.

کمر بستن



تصویر شماره ۳ گونه ای از کمر بند عروس بختیاری، عکاس نویسنده مقاله ولی الله نصیری، بهار ۱۳۹۹

زمان عروس بردن رسمی دیرینه به نام کد بستن (کمر بستن عروس)، وجود دارد. در این زمان، کمر عروس توسط پدر، برادر، عمو یا دایی بسته می‌شود. موقع بردن عروس تکه‌ای قند یا نبات و نان به کمر او می‌بندند. نان نماد برکت و خوشبختی، قند و شیرینی سفید بختی و سبزی نماد باروری است (همان، ۲۵۱-۲۵۲). زنان بختیاری می‌گویند: وقتی کمر عروس بسته می‌شود و او را به خانه شوهر می‌فرستند در واقع به او می‌فهماند که از این به بعد متعلق به مردی است که باید تمام تلاش خود را برای زندگی

خوب و آبرومندی به کار ببندد و از طرفی آنچه باعث جدایی آن‌ها می‌شود مرگ است پس باید برای همدیگر بهترین دوست و همراه باشند (کد، ۳، ۶، ۹، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۶). شال و یا همان کمربندی که به هنگام خروج عروس از منزل پدر به منزل داماد می‌بندند، از جنس چلوار و نمادی از کفن است، یعنی تنها مرگ آن دو را از هم جدا می‌کند. قند یا نبات هم آرزوی زندگی شیرین برای عروس و داماد می‌باشد. نان هم برکت و خیر است و داماد اولین نان دست عروس را می‌خورد تا حرمت همدیگر را نگه‌دارند (همان). این نماد در بین قوم بختیاری به حدی تأثیرگذار و مهم است که (به‌عنوان نمونه ثبت طلاق در دادگاه شهرستان کوه‌رنگ استان چهارمحال و بختیاری در بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ تنها سه طلاق بوده است) و نوع تعهد و وفاداری را در همسران ایجاد می‌کند. به تأثیر از این مناسک، زن همواره در کنار مرد در تمامی سختی‌ها حضور مؤثر خواهد داشت.

آیین حنابندان



تصویر شماره ۴ آیین حنابندان هنگام عروسی در بین بختیاری‌ها، عکاس امیر خدروی میرقائد، تابستان ۱۳۹۹

از دیگر آیین‌های سنتی و زیبا در هنگام عروسی، آیین حنابندان است. آیین حنابندان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی است که پوشش خاص خود را اقتضا می‌کند. این آیین از گذشته تاکنون در ایران اهمیت دارد و سرشار از نمادها و نشانه‌ها است (رفیع فر و کماللو، ۱۳۹۳: ۲۸-۲۹). زنان بختیاری می‌گویند: وقتی حنا در دستان هر دو زوج گذاشته می‌شود به آن‌ها یک‌رنگی، محبت، بوی خوش زندگی، زیبایی، عاطفه و محبت آموخته می‌شود (کد، ۱۴، ۱۶، ۲۴، ۲۵). در فرهنگ مردم ایران حنا یکی از گیاهان بسیار مقدس شمرده می‌شود. حنابندان نشان‌دهنده‌ی خروج از گروهی و

بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و دختران در قوم بختیاری

ورود به گروه دیگر و نقش‌پذیری جدید در جامعه‌ی جدید است. رنگ برخاسته از درخت حنای مقدس، با نشستن بر دست‌های زن و همسرش، از سویی نمادی برای برخوردار شدن آن‌ها از زندگی معنوی خواهد بود و از سویی، پیوند این زن و شوهر را به امری مقدس تبدیل می‌کند که باید نهایت تلاش در جهت حفظ آن صورت پذیرد.

پوشاک زنان در مرحله‌ی پیوست

از نشانه‌ها و رفتارهایی که جداگزینی و به‌اصطلاح «در حصار رفتن» و گذار زنان از مرحله‌ی گذار به پیوست را نشان می‌دهد، به تن کردن نوعی پوشش خاص است که فرد در حال تشریف را از دیگران متمایز می‌سازد (Eliade, 1959: 11-13). زنان بختیاری، به‌محض ازدواج به دوره‌ی تکامل زندگی خود رسیده و به استحاله‌ی خود در یک تجربه‌ی جدید از زندگی می‌رسند. در این دوره زنان، زندگی کودکانه و جوانی را وانهاده و به زندگی جدید و دنیای جدید می‌اندیشند. زنان بختیاری در دوره‌ی پیوست، خود را کاملاً در اختیار زندگی قرار داده و از آنجا که یک هویت و شخصیت جدید پیدا کرده‌اند، سبب شده که از هیچ کوششی در راستای اعتلا و پیشرفت زندگی دریغ نکنند. در این دوره، نوع پوشش زنان، بیانگر هویت متفاوت آن‌ها نسبت به دو دوره‌ی قبل است.

پوشش سر



در این دوره، زنان از سرپوش به نام «لچک»، «مینا» و «پیشانی‌بند» استفاده می‌کنند. لچک انواع متنوعی مانند؛ لچک مُنْجُوق دوزی، لچک الماس نما، و لچک ریالی دارند. لچک سرپوشی است از دو تکه‌ی مستطیل شکل رنگارنگ از جنس مخمل که آستر دارد. برش

تصویر شماره ۵ پوشش سر در بین زنان بختیاری، عکاس امیر خدای میرفاند، تابستان ۱۳۹۹

و دوخت لچک از دو تکه پارچه‌ی ناهم‌رنگ است که قسمت جلو آن مخمل و تکه‌ی کوچک‌تر به شکل نیم‌دایره است و با پارچه-

های نازک‌تری به کلاهک دوخته می‌شود. لچک معمولاً با مُنْجُوق، الماس، ریال، سکه

طلا و اشرفی یا ریال‌های نقره تزئین شده است. لچک به وسیله‌ی دو بندینک زیر چانه گره زده می‌شود، دو طره بلند (گیسوان بلند) از فرق سر جدا و به چپ و راست صورت می‌برند و از زیر لچک می‌گذرانند (داوودی حموله، ۱۳۹۳: ۳۷۳-۳۷۴)، «زنان بختیاری قسمتی از موهای خود را در رشته‌های متعددی بافته و در عقب سر آویزان می‌کنند و بخش دیگر را با چین و شکن در اطراف صورت و روی پیشانی قرار می‌دهند» (لایارد، ۱۳۶۷: ۱۳۴-۱۳۵).

به لچک سربند نیز می‌گویند، لچک حجاب زیبایی است که نقش و نگار پر ظرافت آن آدمی را به تعمق در رنگ‌های متنوع و نشاط‌آور آن وامی‌دارد و این خود سهم برجسته‌ای در نگاهی تازه به دیرینه بودن زیباشناسی حجاب در بختیاری‌ها دارد. نقوش روی لچک نمادی از سادگی و درعین حال زیباشناختی است که اصالت بختیاری در آن موج می‌زند. پوشش لچک متناسب با موقعیت زنان متفاوت است به گونه‌ای که در مراسمی مانند عروسی، عزاداری، کار و کدخدامنشی فرق داشته و هر کدام یک مدل خاص می‌باشد که به سر می‌پوشند. موقعیت زنان در پوشیدن لچک هم متفاوت است به گونه‌ای که در مراسم‌های شادی رنگی شادبود و از پشت سربلندتر اما در مراسم‌های عزاداری لچک کوتاه، جمع‌تر و رنگ آن تیره‌تر می‌باشد.

از دیگر سرپوش‌های زنان «مینا» می‌باشد، مینا تور حریر رنگارنگ و سبک با ابعاد مستطیل و عرض یک الی یک و نیم متر می‌باشد، طول دو الی چهار متر که شانه و کتف، آرنج، سینه و کمر را می‌پوشاند. نقش‌های ساده دارد که بعد از دولا سه لا به لچک سنجاق می‌کنند و بقیه را روی شانه‌ها و پشت سر می‌اندازند. موهای جلوی سر را تاب می‌دهند و از زیر لچک بیرون می‌آورند و در پشت مینا پنهان می‌کنند. معمولاً انتهای مینا تا پشت پاشنه پا می‌رسد (داوودی حموله، ۱۳۹۳: ۳۷۴-۳۷۵). زنان بختیاری معتقدند: دختر بختیاری با ازدواج خود و گذاشتن «لچک و مینا» تعهدی عمیق و مهم در زندگی پیدا می‌کند و متوجه می‌شود دیگر آن فرد قبلی نیست و از مرحله دخترانه عبور کرده و مسئولیتی جدید تحت عنوان همسر پیدا کرده است و خانه‌داری، فرزندآوری، تربیت فرزند، کمک به شوهر و... از مهم‌ترین مسئولیت‌های اوست (کد، ۱، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۴، ۲۷). در فرهنگ زرتشتی دوره‌ی ساسانی، مینا را مَکنا می‌گفتند، روسری زنان زرتشتی از نظر شکل همانند سرپوش (مینا) بختیاری است. روسری زرتشتی پارچه‌ای

بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و دختران در قوم بختیاری

رنگین و حدود سه تا سه و نیم متر و عرض یک متر است که روی کلاهکی بسته می‌شود (همان). زنان بختیاری از پوششی به نام پیشانی بند استفاده می‌کنند، پیشانی بند یک رشته باریک به طول دور سر و عرض چهار پنج انگشت است که روی پیشانی می‌بندند (همان). با پوشش لچک و مینا، زن بختیاری وارد مرحله‌ای مقدس از زندگی شده است، در این مرحله، حرمت و شرافت همسر داری و شوهر داری مرحله‌ای از قدسیت زناشویی زن می‌باشد. در این مرحله زن با پوشش لچک و مینا از یک فضای دیگر (دخترانه) به فضای جدید (زانه) وارد شده و به موقعیت و هویت جدید پا نهاد است. پوشش مینا که در امتداد لچک می‌باشد در دوره‌ی کنونی که تهاجم فرهنگی به شدیدترین وضع به جامعه‌ها حمله‌ور شده، نمادی از پوشش مناسب و اصیل است که با حفظ هویت تاریخی و اجتماعی خود می‌تواند مانعی مناسب در برابر تهاجم فرهنگی باشد.

تن پوش



تصویر شماره ۶ تن پوش زنان بختیاری، عکاس امیر خدیری میرقاند، تابستان ۱۳۹۹

در بین زنان بختیاری که به دوره‌ی پیوست راه یافته‌اند، از تن پوشی به نام (جُوَه) یا همان پیراهن زنان با رنگ‌های مختلف روی شلوار قری می‌پوشند، معمولاً دارای برشی ساده، آستین راسته، یقه گرد و جلو باز است که بلندی آن تا پایین زانو و تا مچ پا می‌رسد. شلوار زن بختیاری به صورت دامنی پرچین با عرض یک متر و طول شش الی دوازده متر است، هرچه عرضش بیشتر باشد چین و قرش زیادتر است و برای نشست و برخاست، مناسب می‌باشد. آن را تخته تخته می‌دوزند و از لیف بالایش رشته‌ای پنبه‌ای (بند شلوار) رد می‌کنند و محکم گره می‌زنند تا حجم سنگین آن را تحمل کند، این نوع شلوار را شلوار قری می‌گویند (داوودی حموله، ۱۳۹۳: ۳۷۵-۳۷۶)

همچنین این نوع لباس نه تنها بیان کننده‌ی حجاب که مایه‌ی وقار و عفت است، می‌باشد، بلکه تمایز این طبقه زنان از سایر طبقات را نیز نشان می‌دهد. در این دوره، با پوشش متفاوت از دوره‌ی گسست، آن‌ها را کاملاً از همدیگر متمایز می‌کند. رفتار و پوشش زنان در این مرحله به گونه‌ای است که هم مرادشان پوشش کامل و سرتاسری بدن است و هم مقبولیت اجتماعی می‌یابند، چراکه در این مرحله منزلت اجتماعی و پذیرش در اجتماع از اهداف مهم زنان بختیاری است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد پوشاک اقوام به ساختار فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و تاریخ آن‌ها برمی‌گردد. پوشاک زنان و دختران بختیاری در هر مرحله از زندگی به آن‌ها هویت متناسب با شرایط زندگی را بخشیده و به نوعی پوشش آن‌ها نشان‌دهنده‌ی موقعیت اجتماعی آن‌هاست. اندازه‌ی لباس، رنگ لباس، تزئینات روی لباس و روسری زنان و دختران بختیاری، طبقه زنان را از دختران متمایز می‌کند. دختران با انتخاب رنگ‌های لباس خود متناسب با طبیعت تلاش کرده و زنان - مخصوصاً زنان میان‌سال به بالا - معمولاً رنگ لباس‌شان تاریک‌تر است و از آن شادابی دوران جوانی فاصله گرفته، چون در این دوران دارای منزلت اجتماعی خاصی هستند، چراکه پذیرش در اجتماع از اهداف مهم زنان بختیاری است. پوشش «لچک» یا همان روسری مرسوم بختیاری باعث شده جایگاه زنانه از دخترانه متمایز شود، زیرا دختران معمولاً از روسری رنگی استفاده می‌کنند اما زنان معمولاً از «لچک» استفاده کرده و هویت زنانه خود را حفظ می‌کنند. روسری «لچک» زنان در مراسم شادی معمولاً شاد و رنگی است اما در مراسم عزاداری و سیاه است. بنابراین زنان بعد از ازدواج از «لچک» که از نظر حجم و اندازه و رنگ متفاوت است استفاده می‌کنند و متوجه دگرگونی و هویت جدید اجتماعی هستند و خود را با شرایط پیرامونی به لحاظ هویتی وفق می‌دهند. آنچه در جوامع سنتی مانند بختیاری‌ها باقی مانده، حفظ سنت و آداب دیرینه آن‌ها است. آن‌ها تلاش می‌کنند بر اساس همین آداب و رسوم هویت و منزلت اجتماعی خود را اثبات کرده و از این طریق آن را بازایی می‌کنند. یکی از راه‌های به دست آوردن هویت و جایگاه اجتماعی در بین آن‌ها، پوشش لباس متناسب با سن، موقعیت و فرهنگ پیرامونی بوده که این خود توانسته است وظایف

بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و دختران در قوم بختیاری

هر یک از دختران و زنان را به آن‌ها یاد داده و برای هویت بخشی خود و به دست آوردن منزلت اجتماعی در این راه از هیچ کوششی دریغ نکنند. یکی از نشانه‌های ازدواج، بستن شال بر کمر نوعروس به هنگام رفتن به خانه شوهر است که این شال نشانه به خدمت بودن بوده و در بسیاری مناسک نشانه‌ی تکامل، قدرت، فضیلت و انحصار است. زنان بختیاری همواره دوشادوش مردان خود تلاش می‌کنند، یکی از مهم‌ترین مسائلی که دختر به هنگام ورود به منزل شوهر، خود را متعلق به شوهر دانسته مراسم کمر بستن دختر به هنگام خروج از منزل پدر است، زیرا به او یاد می‌دهد که متعلق به مردی است که با او ازدواج کرده است و تنهایی چیزی که باعث جدایی آن‌ها می‌شود مرگ است. بنابراین پوشش دختران و زنان بختیاری متناسب با موقعیت و هویت اجتماعی آن‌هاست و در هر مرحله‌ای از زندگی خود با پوشش متناسب با آن دوره زندگی می‌کنند و این باعث تمایز آن‌ها از همدیگر می‌شود که کمتر فرهنگی چنین پوشش و جایگاهی را دارد. نتیجه این که، تغییر آیینی پوشاک، نماد گذر از دنیایی به دنیای دیگر است و تغییر و دگرگونی ژرفی است که در مراحل گذار روی می‌دهد.

منابع

- الیاده، میرچا (۱۳۷۶)، آیین‌ها و نمادهای آشناسازی؛ رازهای زادن و دوباره زادن، ترجمه‌ی نصرالله زنگویی، تهران، نشر قطره.
- الیاده، میرچا (۱۳۹۰)، مقدس و نامقدس (ماهیت دین)، ترجمه‌ی بهزاد سالکی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- امان‌اللهی بهداروند، اسکندر (۱۳۷۲)، قوم لر، تهران، انتشارات آگاه.
- آهنجیده، اسفندیار (۱۳۷۴)، ایل بختیاری و مشروطیت، اراک، ذره‌بین.
- بتیس، دانیل، پلاگ، فرد (۱۳۹۲)، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- بختیاری، سردار اسعد (۱۳۷۶)، تاریخ بختیاری، تهران، انتشارات اساطیر.
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۷)، آیین به خاک سپردن مرده و سوگواری آن، تهران، پیام نوین.
- بوی، فیونا (۱۳۹۲)، مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی دین، ترجمه‌ی مهرداد عربستانی، تهران، نشر افکار.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران، نشر کیهان.
- پانوف، میشل، پرن، میشل (۱۳۶۷)، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه‌ی اصغر عسگری خانقاه، تهران، انتشارات سمت.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۸۰)، خرده اوستا، تهران، اساطیر.
- تریگ، راجر (۱۳۸۴)، فهم علم اجتماعی، شهناز مسمی‌پرست، تهران، نشر نی.
- حکمت، علیرضا (۱۳۵۰)، آموزش و پرورش در ایران باستان، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی.
- خسروی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، بختیاری در جلوه‌گاه فرهنگ، تهران، شهسوار.
- داودی حموله، سریا (۱۳۹۳)، دانشنامه قوم بختیاری، اهواز، انتشارات معتبر.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین و کماللو، خدیجه (۱۳۹۳)، بررسی آیین حنابندان از دیرباز تاکنون، دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۴، صص ۵۳-۲۷.
- رفیع‌نژاد، مهشید و دیگران (۱۳۹۹)، مطالعه شکاف ارزشی بین نسلی زنان قوم

بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و دختران در قوم بختیاری

ترکمن برحسب نقش ویژگی‌های فردی و عوامل زمینه‌ای (مقایسه بین نسلی مادران دهه پنجاه و دختران دهه هشتاد)، مجله مطالعات میان فرهنگی، سال شانزدهم، شماره ۴۶.

- رنجبر، محمود، ستوده، هدایت الله (۱۳۸۰)، مردم‌شناسی: با تکیه بر فرهنگ مردم ایران، تهران، نشر ندای آریا.

- ریویز، کلود (۱۳۹۰)، درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه‌ی ناصر فکوهی، تهران، نشر نی.

- شوالیه، ژان و گربران، آلن (۱۳۷۹)، فرهنگ نمادها، ترجمه‌ی سودابه فضاییلی، تهران، انتشارات جیحون.

- ضیاءطبری، فرهنگ (۱۳۶۹)، نگرشی به آیین سدره‌پوشی نزد مزدیسنان، چیستا، شماره ۷۶ و ۷۷، صص ۶۸۶-۶۹۰.

- عضدانلو، حمید (۱۳۸۶)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی.

- فکوهی، ناصر (۱۳۹۰)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، نشر نی.

- قربان پور دشتکی، خدابخش (۱۳۸۹)، انگلیس و بختیاری، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- گارثویت، جین راف (۱۳۷۵)، تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ترجمه‌ی مه‌راب امیری، تهران، انتشارات آنزان.

- لایارد، هنری (۱۳۶۷)، سفرنامه لایارد، ترجمه‌ی مه‌راب امیری، تهران، انتشارات آنزان.

- مددی، ظه‌راب (۱۳۷۵)، واژه‌نامه زبان بختیاری، تهران، انتشارات آیات.

- معین، محمد (۱۳۵۰)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- میرزایی دره شوری، غلامرضا (۱۳۷۳)، بختیاری‌ها و قاجاریه، شهرکرد، انتشارات ایل.

- Eliade, Mircea (1959), The Sacred and Profane, the Nature of Religion, New York.

- Eliade, Mircea (1987), The Encyclopedia of Religion, New York.

- Lincoln, Bruce (1991), Emerging from the Chrysalis: Rituals of Womens Initiation, New York and Oxford: Oxford University press.

- Tellard Ania (1948), Le Symbolisme du reve, Paris.

-Van Gennep, Arnold (1966), The Rites of Passage, Routledge and Kegan Paul, London.

-Van Gennep, Arnold (1977), Monika B (Translator); Caffee, Gabrielle L (Translator) (1977) (1960), The Rites of Passage, Routledge Library Editions Anthropology and Ethnography, London.

منابع میدانی محلی (مصاحبه‌شوندگان)

- جهان‌افروز خواجه نصیری، مطلع محلی، ۶۶ ساله، روستای نصیرآباد، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۲، (کد ۱).
- فاطمه موسایی، مطلع محلی، ۴۵ ساله، روستای فریدون آباد، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۲، (کد ۲).
- قدیم خیر قنبری، مطلع محلی، ۵۶ ساله، روستای قبادآباد، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۲، (کد ۳).
- ماه‌بانو سلجوقی، مطلع محلی، ۵۴ ساله، روستای امیرآباد، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۳، (کد ۴).
- زینب نجفی حاجیور، مطلع محلی، ۴۱ ساله، شهرک امام حسین (ع)، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۳، (کد ۵).
- شاه‌پسند یوسفی، مطلع محلی، ۵۵ ساله، شهرک امام حسین (ع)، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۳، (کد ۶).
- بی‌بی طلا محمدحسینی، مطلع محلی، ۵۴ ساله، ملک‌آباد، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۴، (کد ۷).
- زهرا غیبی‌پور، مطلع محلی، ۶۱ ساله، شهرک عشایری چلگرد، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۴، (کد ۸).
- ماریا سعیدی، مطلع محلی، ۴۴ ساله، میانرودان، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۴، (کد ۹).
- ماه زینب صادقی حسوند، مطلع محلی، ۵۱ ساله، بازفت، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۶، (کد ۱۰).
- فاطمه خیری، مطلع محلی، ۵۳ ساله، بازفت، شهرستان کوهرنگ، چهارم‌محل و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۶، (کد ۱۱).

بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و دختران در قوم بختیاری

- ماه‌صنم قاسمی، مطلع محلی، ۵۹ ساله، بازفت، شهرستان کوه‌رنگ، چهارم‌حال و بختیاری، ۱۴۰۱/۱/۶، (کد ۱۲).
- فاطمه صالحی، مطلع محلی، ۶۶ ساله، قلعه شیخ قیطاس، اندیکا، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۸، (کد ۱۳).
- قدم‌خیر احمدی، مطلع محلی، ۵۲ ساله، دینه راک، اندیکا، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۸، (کد ۱۴).
- زهرا ورناصری، مطلع محلی، ۵۳ ساله، ناصر خسرو، اندیکا، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۸، (کد ۱۵).
- عاطفه کریمی، مطلع محلی، ۵۴ ساله، بنه حیدر، اندیکا، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۸، (کد ۱۶).
- مریم کریمی، مطلع محلی، ۴۸ ساله، بنه حیدر، اندیکا، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۸، (کد ۱۷).
- سیده فاطمه نبوی، مطلع محلی، ۷۱ ساله، شاه ابوالقاسم، لالی، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۹، (کد ۱۸).
- خدیجه انصاری، مطلع محلی، ۶۷ ساله، روستای چینی، لالی، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۹، (کد ۱۹).
- گل‌نصیری گله، مطلع محلی، ۶۵ ساله، روستای چینی، لالی، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۹، (کد ۲۰).
- گوهر محمدحسینی، مطلع محلی، ۶۷ ساله، انبارسفید، لالی، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۹، (کد ۲۱).
- گل‌تاج خدری میرقاند، مطلع محلی، ۶۳ ساله، حتی، لالی، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۹، (کد ۲۲).
- گل‌کریمی، مطلع محلی، ۶۲ ساله، عقیلی، شوشتر، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۱۰، (کد ۲۳).
- خدیجه موسایی، مطلع محلی، ۷۴ ساله، عقیلی، شوشتر، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۱۰، (کد ۲۴).
- زینت موسایی، مطلع محلی، ۶۸ ساله، عقیلی، شوشتر، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۱۰، (کد ۲۵).
- ثریا صالحی موسوی، مطلع محلی، ۶۲ ساله، کارتا، ایذه، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۱۱، (کد ۲۶).
- فاطمه صالحی موسوی، مطلع محلی، ۵۸ ساله، کارتا، ایذه، خوزستان، ۱۴۰۱/۱/۱۱، (کد ۲۷).